

## عملیات نسل کشی آمریکا- اسرائیل در غزه، کجا ایستاده ایم؟!

نسل کشی<sup>1</sup> ارتش اسرائیل در غزه، این منطقه را تبدیل به کوره آدم سوزی بزرگی کرده است که کوره های آدم سوزی هیتلر را شرمنده می کند. این نسل کشی پروژه مشترک آمریکا- اسرائیل است و هدفش کشتار حداکثری فلسطینی ها و دزدیدن باقی سرزمین هایشان در غزه. اسرائیل به موازات کشتار جمعی در غزه، عملیات نظامی اش را در کرانه باختری نیز گسترش داده و در دو ماه گذشته بیش از ۲۵۰ نفر را اعدام فراتر از مرز کرده است.

در واکنش به این جنایت و در حمایت از مردم فلسطین، موج مهمی از مبارزه و مقاومت در آمریکا به راه افتاده است که رخداد سیاسی بسیار مهم با تاثیرات جهانی است. و پتانسیل بزرگی را برای باز کردن راه «جنبشی برای انقلاب» در آمریکا فراهم می کند. شکسته شدن جو سکوت و تسلیم در مقابل جنایت های امپریالیسم آمریکا در دانشگاه ها و نقشی که روشنفکران یهودی در این اعتراضات بازی می کنند و همچنین فعال شدن جوانان متأثر از خیزش «جان سیاهان مهم است» که در سال ۲۰۲۰ شهرهای مهم آمریکا را به مدت چندماه به تکان در آورد، از عناصر قابل توجه این سلسله مبارزات است. در سال ۲۰۰۶ جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا کتابی با عنوان «فلسطین: صلح و نه آپارتاید» منتشر کرد و در مقابل این سوال که چرا آمریکایی ها آنچه را وی می بیند، نمی بینند، گفت: «آمریکایی ها نمی خواهند واقعیت را ببینند»<sup>2</sup>. اما اکنون اوضاع در حال تغییر است. این جنایت بزرگ، میلیون ها نفر از مردم جهان را تکان داده، با سرعتی عجیب نقاب از چهره زشت و هولناک دموکراسی آمریکایی برکشیده و حنا عاشقان آرزومند «دموکراسی آمریکایی» را هاج و واج کرده است. بلند شدن موج بی سابقه مبارزه علیه اسرائیل، از لندن تا نیویورک، خبر از یک جا به جایی ایدئولوژیک بزرگ در سپهر فکری- سیاسی می دهد. امپریالیست های آمریکایی و اسرائیل، از این که در هفته های اول جنگ، «خیابان های عرب» آتش نگر فتند اعتماد به نفس پیدا کردند و در کشتارشان تخته گاز رفتند. اما یک باره در خیابان های لندن و نیویورک ورق برگشت. حنا تحلیل گر معروف نیویورک تایمز، «راجر کوهن»، که استعمارگر بودن اسرائیل را یک «ادعا» می داند نوشت: «اکنون یک جا به جایی اجتماعی برجسته را در غرب شاهد هستیم. بلند کردن پرچم آرمان فلسطین در امتداد جنبش های قدرتمند برای عدالت نژادی و اجتماعی است که یادانش در آمریکا از سال ۲۰۲۰ کشیده شد. ... این جا به جایی اساسا با کشته شدن جورج فلویید آغاز شد»<sup>3</sup>. یکی از مدرسان تاریخ سیاهان در آمریکا می گوید: «این خیزش و به طور کلی خیزش جان سیاهان مهم است، بر بسیاری از آمریکایی ها به ویژه جوانان تاثیر گذاشت که اوضاع فلسطین-اسرائیل را بر حسب خشونت نهادینه، اشغال و ستمگری استعماری ببینند»<sup>4</sup>. امروز، اقلیتی از یهودی ها بخشی مهم، الهام بخش و پر سر و صدا از جنبش ضد صهیونیستی در آمریکا را تشکیل می دهند. آنها با اشغال صحن کنگره آمریکا و ترمینال ها و میدان های نیویورک، صحنه های پرشوری از همبستگی جهانی بشریت را به نمایش گذاشتند. شاخه سازمان «صدای یهود برای صلح» در دانشگاه کلمبیا به این علت که فعالیت های «یهودستیزانه» می کند ممنوع شد.

در فاصله کوتاهی پس از آغاز ماشین نسل کشی اسرائیل، نزدیک به سی گروه دانشجویی در دانشگاه ها وارد بیانیه ای در محکومیت آن صادر کردند. سرمایه دارانی که بودجه دانشگاه ها را کنترل می کنند اعلام کردند اگر دانشگاه ها این دانشجویان را «تنبیه» نکنند، دیگر پولی نخواهند داد و جلوی استخدام این دانشجویان را خواهند گرفت. خط و نشان کشیدن این سرمایه داران که سرمایه شان محصول استثمار میلیاردها نفر از جمله کودکان در سراسر جهان است، نشانه دیگری است که، «این سیستم تحت سلطه شرکت ها، بانک ها و سایر نهادهای مالی سرمایه داری است که مقادیر عظیمی پول را کنترل می کنند»<sup>5</sup>. ماجرا به این ختم نشده و خواهد شد. لیست سیاهی از دانشجویان و استادان تهیه شده است. در یک نمایش نفرت انگیز که یادآور دوران سرکوب «مکار تیسیم»<sup>6</sup> در آمریکا است، اعضای مجلس نمایندگان آمریکا روسای سه دانشگاه ها وارد و پنسیلوانیا و ام آی تی را به محاکمه کشیدند. نماینده مجلس، خانم لی استفانیک طرفدار ترامپ، رهبر این محاکمه فاشیستی در کنگره آمریکا بود. او که نتوانست روسای این سه دانشگاه را وادار به پذیرفتن مدعای خود کند که دادن شعار «انقراض» از سوی دانشجویان طرفدار فلسطین، عملی مجرمانه بوده و مترادف است با شعار «نسل یهودی ها را براندازید»، فرمان «عزل» آنها را از صحن

<sup>1</sup> طبق گفته بیش از ۸۰۰ پژوهشگر عرصه ژنوساید (نسل کشی)، آنچه در غزه می گذرد طبق تعاریف حقوقی و طبق قرارداد ژن و کنوانسیون ژنوساید، نسل کشی است. نسل کشی شامل نیت و عملکرد است. صدها از ۷ اکتبر به بعد، صدها سند از نیت و قصد آگاهانه دولت اسرائیل در سطوح و نهادهای مختلف آن از جمله ارتش تهیه شده است که مبنی بر قصد نسل کشی تهیه شده است. در زمینه عملکرد، اسرائیل به وضوح و طبق پیمان های بین المللی در حال عملی کردن سه فقره از 5 فقره اکت ژنوساید (نسل کشی) است.

<sup>2</sup> در مصاحبه با ایمی گودمن. نوامبر ۲۰۰۶. کارتر در کتابش نوشته است: «فلسطینی ها از حقوق بشر اولیه محروم شده اند، سرزمین شان اشغال شده و سپس توسط کوچی های اسرائیلی مصادره و مستعمره شده است». هیچ یک از رسانه های اصلی نامی از این کتاب نبردند. کارتر در مصاحبه با ایمی گودمن می گوید: واژه «آپارتاید» کاملا و دقیقاً به اسرائیل می خورد. ... فلسطینی ها حتا حق ندارند وارد جاده هایی شوند که اسرائیل در قلمرو فلسطینی ساخته است. فلسطینی ها هرگز اسرائیلی نمی بینند بجز سربازان اسرائیلی و آن هم از دور. اسرائیلی ها و فلسطینی ها در داخل قلمروی فلسطینی از یکدیگر کاملاً جدا شده اند و حتا بدتر از آفریقای جنوبی در دوره آپارتاید است. و تعریف دیگر آپارتاید این است که یک طرف کاملاً حاکم بر حیات بخش دیگر است. و اسرائیل کاملاً بر حیات فلسطینی ها سلطه دارد.» ایمی گودمن می پرسد: «چرا آمریکایی ها چیزی را که شما می بینید را نمی بینند» و جواب کارتر این است: «آمریکایی ها نمی خواهند بدانند».

<sup>3</sup> Roger Cohan, Who is a "Colonizer"? How an Old Word Became a New Weapon. NYT, 10 dec 2023

<sup>4</sup> همانجا. نقل از پروفیسور سام کلگ در دانشگاه لایولا-مربلند

<sup>5</sup> باب آواکیان، «دوران نادری که انقلاب را ممکن می کند سررسید». چرا و چگونه این فرصت نادر را در جنگ بگیریم؟

<sup>6</sup> مک کارتیسم، کارزار ضد کمونیستی و تقویت عقاید و لیست سیاه و اخراج از مشاغل و غیره که توسط سناتور جوزف مک کارتی در آمریکا در دهه ۱۹۵۰ به راه افتاد.

کنگره آمریکا صادر کرد! این در حالی است که خود الی استفانیک از مروجین نظریه توطئه «جا به جایی بزرگ» است که بنیادگرایان مسیحی فاشیست طرفدار ترامپ علیه یهودی های آمریکا اختراع کرده اند.<sup>7</sup>

جنبشی که در بسیاری از نقاط جهان علیه اسرائیل و در حمایت از حق ملی فلسطینی ها به راه افتاده، نشان دهنده انزجار عمیق از سیستمی است که حیاتش با جنگ و نابودی محیط زیست و استثمار کشنده میلیارد ها انسان و تحمیل فقر و آوارگی به آنان، تامین می شود و در تخصص عمیق با حیات بشریت است. اما مهمتر از آن، نشانه «پتانسیل» انقلاب است – حتی در کشوری مانند آمریکا. اما این پتانسیل، فقط به واسطه پیش بردن فعالیت و مبارزه کمونیست های انقلابی و آگاه کردن توده های مردم در مورد ضرورت عاجل انقلاب و امکان واقعی انقلاب و سازماندهی آنان به عنوان نیروهای آگاه و مصمم برای انقلاب، صورت خواهد پذیرفت.

این جنگ، بر توهمات میلیون ها نفر نسبت به حزب دموکرات آمریکا هم ضربه زده است. جو بایدن دست در دست نتانیاهو و وزیر دفاع اسرائیل (گالانت) که گفت جنگ غزه «جنگ علیه حیوان های انسان نما است و جنگ را طبق چنین اصلی پیش خواهد برد» تبدیل به یکی از بزرگترین جنایتکاران جنگی تاریخ شده است. به این ترتیب، حفرة بزرگ دیگری در باورهای ریشه دار ده ها میلیون آمریکایی نسبت به ماهیت امپریالیسم آمریکا و «دموکراسی آمریکایی» به وجود آمده است. این وضعیت، انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا را به وضوح تبدیل به انتخاب میان یک فاشیست تمام عیار و یک جنایتکار جنگی کرده است.<sup>8</sup>

تمام این ها نشانه دوران جدیدی است که باب آواکیان با نگاه به آمریکا آن را «دوران نادر» خوانده و نتیجه می گیرد که در چنین دورانی «انقلاب حتی در کشور قدرتمندی چون آمریکا ممکن می شود». آواکیان سه فاکتور اصلی که انقلاب را ممکن می کند می شمارد. و یکی از آنها این است: به وجود آمدن میلیون ها مردم انقلابی که «وفاداری» شان به سیستم از بین رفته و عزم جنگیدن شان برای جامعه ای عادلانه تر، بزرگتر از ترس شان از سرکوب شدن این سیستم است.<sup>10</sup> جنگ بیرحمانه آمریکا و اسرائیل علیه مردم فلسطین، زمین را برای به وجود آوردن چنین انقلابی در دل آمریکا، هرچه عمیق تر شخم می زند و کار کمونیست های انقلابی است که به طور نقشه مند بدر آگاهی و سازمان انقلاب کمونیستی را در آن بکارند. به طور مثال لنی وولف، از کمونیست های انقلابی پیرو باب آواکیان و سنتر نوین کمونیسم که خودش یهودی تبار است، در مورد اهمیت کار با یهودی ها می گوید: «به طور جدی و تیز باید و می توان با آنها همکاری کرد که هنوز از اسرائیل حمایت می کنند و به آن آویزان هستند، مبارزه کرد ... باید با واقعیت نسل کشی وحشتناکی که کشورشان علیه مردم فلسطین دارد پیش می برد و برو شوند و مسئولیت بگیرند که با صدای بلند و در ملاء عام با آن مخالفت کنند. حتی با آن یهودی هایی که بلند شده اند و مبارزه می کنند و با وجود تهدید و بهتان، خدمات بسیار زیادی می کنند باید مبارزه کرد که ببینند دهشت هایی که در غزه رخ می دهد از یک سیستم سرچشمه می گیرد، آن سیستم را مطالعه کنند، ببینند که اصل وجود اسرائیل محصول همین سیستم است و تصمیم بگیرند برای تنها چیزی که می تواند این سیستم را ریشه کن کند فعالیت کنند: برای یک انقلاب کمونیستی، در این جا در ایالات متحده آمریکا، در فلسطین/اسرائیل و در سراسر جهان. در چنین لحظه ای، شمار بسیار بیشتری از مردم آماده اند که کاملا با واقعیت

Peter Beinart (Jewish Currents) in Democracy Now, 11.12.2023<sup>7</sup>

پژوهشگر یهودی تبار، پیتر بینارت می گوید: برای لی استفانیک جان یهودیان پیشیزی ارزش ندارد. او مبلغ نظریه «جا به جایی بزرگ» است که تیم ترامپ به راه انداخت. طبق این نظریه: «یهودی ها دارند مهاجرین سیاه و رنگین پوست را وارد آمریکا می کنند که جای سفیدها را بگیرند.» لی استفانیک مانند اربابش ترامپ، معتقد به دولت تک قومی و استقرار دولت سفید مسیحی در آمریکا و اساسا دشمن این اصل است که احاد مردم فارغ از جنسیت، نژاد، قوم و مذهب باید در قانون مساوی باشند و بر مبنای این باور، طرفدار یهودی فاشیست در دولت اسرائیل و سیاست نسل کشی آنان است.

<sup>8</sup> برای شرح بیشتر در مورد تاریخچه حزب دموکرات آمریکا، به مقاله ای در سایت «انقلاب» تحت عنوان زیر رجوع کنید: حزب جمهوری خواه فاشیست است. حزب دموکرات ماشین جنایت های جنگی و جنایت علیه بشریت است. این سیستم اصلاح ناپذیر است. باید آن را سرنگون کرد

The Republican Party is Fascist. The Democratic Party is Also a Machine of Massive war crime and Crimes against Humanity: System cannot be reformed, it must be overthrown. Revcom.us

<sup>9</sup> آواکیان. دوران نادری که انقلاب را ممکن می کند سررسیده! چرا و چگونه این فرصت نادر را در جنگ بگیریم؟ در وبسایت حزب کمونیست ایران (م.ل.م)

<sup>10</sup> دو فاکتور دیگر را آواکیان چنین توضیح می دهد: یکم، بروز بحرانی در جامعه و دولت، چنان عمیق و برهم زننده ی «روند معمول امور» که حکومت کنندگان که مدت های مدید بر ما حکومت می کردند، دیگر نتوانند به طریق «معمول» که مردم عادت کرده بودند آن را بپذیرند، حکومت کنند. دوم، وجود نیروی انقلابی سازمان یافته ای که اعضای آن مرتباً افزایش می یابند و متشکل از تحت ستم ترین قشرها و همچنین دیگر بخش های مردم جامعه است-- نیرویی که خود را بر علمی ترین رویکرد برای ساختن و انجام انقلاب متکی کرده است و به صورت سیستماتیک در تلاش است تا این رویکرد علمی را به کار ببندد. و همچنین توده های مردم به طور فزاینده به آن چشم دوخته اند تا آنها را برای ایجاد تغییر رادیکالی که به فوریت مورد نیاز است، رهبری کند.

روبرو شوند ... آماده اند با آنها مبارزه شود که از درک های قدیمی شان گسست کنند ... آماده اند تا تناقض های ریشه دار در درک خود را حل کنند ... اگر که ما آماده باشیم با آنها مبارزه کنیم»<sup>11</sup>

به همین ترتیب، با مبارزین حامی فلسطین در آمریکا و در هر جای دیگر دنیا، باید مبارزه شود تا درک روشن از ماهیت به شدت ارتجاعی و پوسیده تفکر و عملکرد اجتماعی جریان های بنیادگرای اسلامی مانند حماس پیدا کنند و بدانند که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، بدون مبارزه علیه بنیادگرایی دینی که مانند جسد گندیده ای جسم و روح مردم خاورمیانه را نابود می کند، ممکن نیست. در آمریکا، بسیاری از جوانان و روشنفکران و دانشجویان فلسطینی تبار و اهل ایران و کشورهای عرب و افغانستان و ترکیه در مبارزات دفاع از مردم فلسطین شرکت می کنند. مردم خاورمیانه نیاز دارند که شمار روزافزونی از این جوانان به کمونیست های انقلابی پیرو کمونیسم نوین و رهبری باب آواکیان در آمریکا بپیوندند و «بیانیه و فراخوان برای سازمان یابی فوری در انجام یک انقلاب واقعی»<sup>12</sup> را تبدیل به قطبی با نفوذ کنند. همه باید بدانند که تغییر بنیادین در اوضاع سیاسی آمریکا و باز شدن راه «جنبشی برای انقلاب» و در نهایت پیروزی انقلاب در دل این هیولا، بُرد بزرگ و تاریخی ای برای میلیاردها بشریت تحت ستم و استثمار در تمام دنیا است. و باخت آن نیز تاثیرات وحشتناکی خواهد داشت و نه تنها آمریکا بلکه همراه با آن، کل جهان وارد عصر تاریکی خواهد شد. این اوضاع، فرصت مهمی برای باز کردن راه «جنبشی برای انقلاب» در ایران را نیز فراهم می کند. زیرا توهّمات بزرگ در مورد «دموکراسی» غربی از موانع فکری بزرگ در میان مردمی است که می خواهند از رژیم دینمدار فاشیست جمهوری اسلامی رها شوند. جنایت آمریکا-اسرائیل و بلند شدن مبارزات توده ای بزرگ در ضدیت با اسرائیل، به ما کمک می کند که با این توهّمات مقابله کنیم تا مردم به قول شاملو «با دو چشم خویش ببینند که خورشیدشان کجاست» و دیگر اشتیاق خود به رهایی را با افق های توهم آلود «دموکراسی» و «سوسیال دموکراسی» بسته بندی نکنند و ریشه های مشترک ستم و استثمار خود و مردم فلسطین و افغانستان و مصر و سراسر جهان را ببینند و بفهمند که «نژاد» بشریت انترناسیونالیسم است.

#### ما کجا ایستاده ایم؟

در این چارچوب، به روشنی می توان به اهمیت بیانیه ۹ تن از زندانیان سیاسی اوین که پس از آغاز جنگ نسل کشی اسرائیل در غزه منتشر شد (آنیسا اسداللهی، گلرخ ایرایی، رضا شهبابی، آرش جوهری، کیوان مهدی، مهران رئوف، فواد فتحی، مازیار سیدنژاد، امید مصیر- زندان اوین، آبان ۱۴۰۲) پی برد. (در همین شماره *آتش* باز نشر شده است) موضع صریح این بیانیه علیه نسل کشی اسرائیل در غزه، و روشن کردن رابطه این مبارزه علیه جمهوری اسلامی، الهام بخش و روشنگر است. مقابله بیانیه با آن چه «هیولای بی تفاوتی» می خواند و دادن فراخوان تعریف «مرزهایی» که همه مرتجعین از بنیادگرایان اسلامی و اسرائیل و امپریالیست ها و مدافعان آنها در یک سمت قرار بگیرند و جنبش های مترقی اجتماعی در سمت دیگر، بیان یکی از کیفیاتی است که برای باز کردن راه رشد و گسترش جنبشی برای انقلاب در ایران به آن سخت نیاز داریم. بدون انترناسیونالیسم که برخاسته از این واقعیت است که سرمایه داری همه ما را از کران تا کران در یک پیکر واحد بافته است، قطعاً هیچ کس به آزادی از ستم و استثمار دست نخواهد یافت.

بیانیه با موضوعی شروع می شود که در واقع از مهمترین موانع مقابل پای انقلاب است. یعنی، اسیر بودن بسیاری از مردم ما در چنبره افکار ارتجاعی. بیانیه نوشته است:

اینجا در زندان، در میان زندانیان سیاسی، هستند افرادی که سال گذشته جان خود را برای خواست آزادی و رفع تبعیض به خطر انداختند، اما اکنون در مواجهه با نسل کشی فلسطینیان در جنگی تماماً ناعادلانه از سوی دولت اسرائیل می گویند: «کاش بیشتر هم بکشد»، «کاش کار را با یک بمب اتم یکسره کند تا دنیا یک نفس راحت بکشد». برخی حتی می گویند: «کاش سر ما را در تهران بزنند». فقط می توان گفت بیچاره مردمی که برای اسارت خویش، برای نابودی خویش بجنگند. (از بیانیه ۹ تن از زندانیان سیاسی)

ما در بیرون از زندان هم با این افکار مواجهیم. درست همان طور که جمهوری اسلامی به طور **نقشه مند** اذهان مردم را با خرافه دینی و انواع دروغ ها پر می کند، جریان های فاشیست شاه پرست، ایرانی های صهیونیست و سازمان های سیاسی که متحد جناح فاشیست حزب جمهوری خواه در آمریکا هستند، افکار ارتجاعی معطوف به منافع سیاسی خودشان را به طور **نقشه مند** ترویج می کنند. از جمله، خواست حمله اسرائیل به ایران و تبلیغ گفتن «سر ما در ایران است». همین شستشوی مغزی را اسرائیل به طور **نقشه مند** و سیستماتیک در میان اهالی خود پیش می برد. طبق گفته راجر واترز (خواننده و نوازنده

<sup>11</sup> تمام مقاله لنی وولف را در این شماره آتش بخوانید؛ با عنوان «جوانان یهودی: لنی را الگوی خودتان بکنید»

<sup>12</sup> این بیانیه یک ابزاری کلیدی در آمریکا، جهت پخش و گسترش مساله انقلاب و سازماندهی مردم در انقلاب است. به انگلیسی در سایت زیر در دسترس است.

معروف پینک فلویید) در سفر پژوهشی اش به اسرائیل و کرانه باختری، خودش شاهد بود که شهرک نشین های اسرائیلی در مدرسه به کودکان آموزش می دهند که «فلسطینی ها کرم هستند و مثل کرم باید با آنها رفتار کرد».

یک به یک جعلیات و دلایل پشت تولید و ترویج چنین افکاری را باید برای مردم روشن کرد و با آنها کلنجار رفت که با شیوه علمی فکر کنند و خزعبلات را از ذهن خود پاک کرده و حقایق مربوط به تاریخ و جامعه و رخدادهای مهم جهان را بیاموزند و بر این مبنا، علیه جامعه و جهانی که پر از ستم است و برای انقلاب کمونیستی بجنگند. به طور مثال، جمهوری اسلامی طوری مردم فلسطین را معرفی کرده که انگار بخشی از «امت» جمهوری اسلامی هستند! در حالی که جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان را بر پشت کشتار پناهندگان فلسطینی در لبنان ساخت و این کشتار را در همدستی با آریل شارون که «قصاب بیروت» لقب گرفته است انجام داد. این جنگ مشترک سپاه و اسرائیل برای بیرون کردن سازمان آزادیبخش فلسطین از لبنان بود و خمینی مستقیماً پشت این حرکت بود. چرا باید مردم فلسطین و آرمان آنها را واگذار به این مرتجعین اسلام گرا کرد؟ اینها مردم ما هستند، نه مردم آنها و نه مردم حماس. اسرائیل و جمهوری اسلامی دو نیروی تاریخی منسوخ هستند که یکی پادگان نظامی امپریالیست های آمریکایی در خاورمیانه است و دیگری قشر حاکمه دینمدار فاشیست است که پرچم «ضد امپریالیست» و «ضد اسرائیل» را بلند کرد تا اعتباری در میان مردم خاورمیانه پیدا کند اما در واقع، بخشی از ماتریس سیستم سرمایه داری امپریالیستی و محصول سوخت و ساز آن است.

ناآگاهی مفرط در میان ستمدیدگان، یکی از وضعیت هایی است که باب آواکیان آن را «وضعیت اضطراری» نامیده است. توده ها در سطح وسیع نسبت به ریشه ها و سرچشمه ستمدیگی و بی حقوقی خودشان و ربط آن به جنگ ها و نابودی کشورها، نسل کشی ها و زن کشی ها و بحران های اقتصادی ویران گر ناگاه هستند. در ایران منبع این جهل و نادانی، جمهوری اسلامی است که ۴۵ سال در این سرزمین به طور سیستماتیک شیوه تفکر علمی و حقایق تاریخی را دفن کرده و شیوه تفکر سطحی و روایت های جعلی را در میان مردم رواج داده است. یکی از مصادیق این تفکر غیر علمی، توهم رهایی «گروه من»، «نژاد من»، «ملت من» است. ایستادن در کنار ستمدیدگان جهان، رویکرد دلخواهی نیست. یک ضرورت برای همه ستمدیدگان جهان است. آگاه نبودن اکثریت مردم تحت ستم و استثمار دنیا به این واقعیت، چیزی از ضرورت آن کم نمی کند. واقعیتی است که با قدرتمندی عمل می کند و باید آگاهانه آن را در خدمت به رهایی بشریت از نظام سرمایه داری به کار گرفت.

جووانانی که با خیزش ژینا در عمل صدای همه ستمدیدگان دنیا شدند، در این جنگ باید علیه اسرائیل و در کنار مردم فلسطین و آزادی آنها بایستند و هم زمان روشن کنند که بنیادگرایی اسلامی جمهوری اسلامی و حماس، جایی در صفوف مردم ندارند. صدای زندانیان سیاسی ایران در ضدیت با این همه جنایت و فریبکاری تبه کارانه حول مساله فلسطین باید بلند شود. وکلا و نهادها و فعالین حقوق بشر که در جریان خیزش ژینا در کنار مردم ایستادند و با مستند کردن جنایت های جمهوری اسلامی، در جهان رسوایش کردند، دانشگاهیان و دانشجویان، ورزشکاران، هنرمندان، ... که به خاطر ایستادن در مقابل جمهوری اسلامی و در کنار مردم، ممنوع الکار و ممنوع القلم شدند، می توانند و باید صدای خود را علیه این نسل کشی بلند کنند. خبرنگارانی که به خاطر شجاعت شان در بر ملا کردن جنایت های جمهوری اسلامی در زندان به سر می برند، باید صدای خبرنگارانی باشند که به خاطر مستند کردن جنایت های اسرائیل، توسط ارتش آن ترور می شوند. به یک کلام، ما می توانیم و باید، هدف سرنگونی جمهوری اسلامی را به این حرکت جهانی که بیان خشم همه انسان های جهان از تبه کاری های سیستم سرمایه داری امپریالیستی و دولت های آن در سراسر دنیا است، پیوند بزنیم. در بزنگاهی تاریخی - جهانی قرار داریم که تمام جهان در کشمکش میان سقوط به اعماق به دست سرمایه داری امپریالیستی یا بیرون آوردن جهان از چنگ آن است. و جنگ نسل کشی در غزه یکی از تبارزات این کشمکش است. کنار ایستادن از آن، به همان اندازه شرم آور است که کنار ایستادن از خیزش ژینا.